

❖
آمدی بر موسیقی شعر
❖

دکتر حسن عبدالله زاده



سرشناسه	: عبدالله زاده، حسن، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: درآمدی بر موسیقی شعر / حسن عبدالله زاده.
مشخصات نشر	: تبریز: آیدین، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۰ ص.
شابک	: ۹ - ۶۰ - ۵۸۷۱ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۹۳] - ۱۹۹.
موضوع	: موسیقی و ادبیات
موضوع	: Music and literature
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ م / ۶۰۷۱ PN
رده بندی دیویی	: ۸۰۸/۸۰۳۵۷
شماره شناسی ملی	: ۴۳۵۹۱۳۶



انتشارات آیدین



انتشارات آیدین

تبریز، خیابان شریعتی شمالی، نرسیده به سیما ۹ بهمن

تلفن: ۳۵۵۳۲۵۹ - فاکس: ۳۵۵۳۰۵۲۳ - ۰۴۱

Email: Aydin.publication @ Gmail.com

درآمدی بر موسیقی شعر

دکتر حسن عبدالله زاده

* چاپ اول ۱۳۹۵ تبریز * شمارگان ۵۰۰ نسخه * قیمت ۱۳۰۰۰ تومان

* لیتوگرافی نگین * چاپ پرنیان * صحافی فروزش

۹ - ۶۰ - ۵۸۷۱ - ۶۰۰ - ۹۷۸

فهرست مطالب

مقدمه	۹
-------	---

فصل اول: تعریف و تقسیم‌بندی موسیقی شعر

درآمد	۱۵
تعریف و تقسیم‌بندی موجود از «موسیقی شعر»	۱۶
نقد تعریف و تقسیم‌بندی موجود از «موسیقی شعر»	۱۸
تعریف موسیقی	۲۵
تعریف شعر	۲۸
تعریف و تقسیم‌بندی مجدد «موسیقی شعر»	۲۹

فصل دوم: بررسی مؤلفه‌های موسیقی شعر

بخش اول: «ضرباهنگ» یا «وزن»	۳۳
تعریف «وزن» و «ایقاع»	۳۳
فطری بودن گرایش به کلام موزون	۳۵
تقدم شعر بر نثر	۳۶
سابقه وزن در متون دینی	۳۶
جایگاه و اهمیت «وزن» در شعر	۳۷
انواع وزن	۳۸
منشأ وزن شعر فارسی	۳۸

- ۴۱.....ارتباط وزن عروضی با مضمون
- ۴۶.....اوزان متروک و کم کاربرد در شعر فارسی
- ۴۷.....واحدهای آوایی هجا، صامت و مصوت و کمیت‌سنجی آن‌ها
- ۴۸.....الف- تعریف «صامت» و «مصوت»
- ۴۹.....ب- تعریف «هجا»
- ۵۰.....ج- انواع «هجا»
- ۵۲.....د- ساختمان هجاها
- ۵۳.....ه- کمیت هجاها نسبت به یکدیگر
- ۵۴.....و- اثبات ارزش کمی صامت‌ها و سنجش این کمیت
- ۵۵.....ز- تقسیم‌بندی انواع هجاها براساس کمیت آن‌ها
- ۵۸.....ح- امتداد هجای کشیده
- ۶۰.....ط- امتداد هجای کشیده
- ۶۲.....ی- امتداد هجای طولانی
- ۶۳.....عوامل مؤثر بر مؤلفه موسیقایی «وزن»
- ۶۳.....الف- تعداد هجاها در اوزان عروضی
- ۶۳.....ب- نسبت هجاها در اوزان عروضی
- ۶۳.....ج- ترتیب هجاها در اوزان عروضی
- ۶۴.....د- کاربرد هجای کشیده و طولانی
- ۶۴.....ه- مطابقت آخر واژه‌ها با آخر ارکان (فواصل کلمات با فواصل اوزان)
- ۶۵.....و- وزن عارضی یا ثانویه
- ۶۶.....ز- فواصل مرتب واژه‌ها خارج از فواصل ارکان
- ۶۸.....ح- استفاده از دو یا چند وزن عروضی در یک شعر
- ۷۱.....ط- ذو بحرین و ذو بحور
- ۷۲.....ی- وزن دوری
- ۷۳.....ک- سکوت در اوزان عروضی مزاحف
- ۷۶.....ل- ضرورت‌های شاعری
- ۷۸.....م- اختیارات شاعری
- ۸۴.....تفاوت «بحر» و «وزن»

۸۴	اوزان «متمایز» و اوزان «مشابه»
۸۴	الف- اوزان «متمایز» یا «اصلی»
۸۴	ب- اوزان «مشابه» یا «فرعی»
۸۹	شیوه صحیح نوشتار هجای کشیده در عروض
۸۹	شعر سبک «عراقی» مهم‌ترین نمودگاه مؤلفه موسیقایی «وزن»
۹۱	بخش دوم: «زنگ» یا «ردیف و قافیه»
۹۱	تعریف قافیه
۹۲	نقش قافیه در شعر
۹۵	الف- تسخیر داد به کلمات خاص و توجه دادن به زیبایی کلمات
۹۶	ب- ایجاد و سبک شکر (فقط از نظر صوتی):
۹۹	ج- القاء مفهوم از آه آنگ
۱۰۰	علت تأثیر موسیقایی قافیه
۱۰۰	الف- تنوع
۱۰۱	ب- تکرار
۱۰۲	ج- جایگاه خاص قافیه
۱۰۲	عیوب قافیه و تأثیر آن بر موسیقی شعر
۱۰۵	تعریف ردیف
۱۰۶	نقش‌های ردیف
۱۰۸	عیب‌های ردیف
۱۰۸	مرز قافیه و ردیف
۱۱۱	حاجب
۱۱۳	بخش سوم: «رنگ»، «طنین» یا «بافت آوایی»
۱۱۴	هماهنگی‌ها و تناسبات آوایی
۱۱۵	الف- هماهنگی‌های ناشی از عامل «تکرار»
۱۲۸	ب- هماهنگی‌های ناشی از «تنوع» و «تعدد»
۱۲۹	ناهماهنگی‌های آوایی

- الف- تنافر کلمات ۱۲۹
- ب- کراهِت در سمع ۱۳۰
- ج- ضعف تألیف ۱۳۰
- د- تعقید لفظی ۱۳۰
- ه- عدم رعایت بعضی از آرایه‌های مهم بدیعی ۱۳۱
- روابط ساده- و فاقد تشخّص- آوایی ۱۳۱
- بخش چهارم: «درنگ و آهنگ» یا «عناصر نوایی» ۱۳۳
- تعریف عناصر زبر- زیر- بر- یا عناصر نوایی ۱۳۳
- انواع عناصر زبر- زنجری ۱۳۴
- الف- نواخت ۱۳۴
- ب- درنگ یا مکث ۱۳۷
- ج- تکیه ۱۴۲
- د- آهنگ ۱۵۷
- ه- لحن یا آهنگ عاطفی ۱۶۲
- بخش پنجم: موسیقی واژه ۱۶۹
- تعریف واژه ۱۶۹
- دلیل صحت اطلاق عنوان «موسیقی» بر واحد «واژه» ۱۶۹
- مباحث مربوط به «موسیقی واژه» ۱۷۱
- الف- مؤلفه‌های موسیقایی واژه ۱۷۱
- ب- عوامل مخلّ فصاحت ۱۸۶
- ج- سیّال بودن موسیقی واژه ۱۸۸
- نقش مهمّ موسیقی واژه در تداعی واژه‌های دیگر ۱۹۱
- منابع ۱۹۳

موسیقی شعر و کارکردهای آن از موضوعات مهم در عرصه ادبیات فارسی است که با وجود اهمیت خراش در طول سالیان دراز به طور شایسته و بایسته مورد بررسی دقیق قرار نگرفته است. انجام پژوهش‌های متعدد در خصوص آن ضروری به نظر می‌رسد. در مورد نقش و تأثیر مؤلفه‌های موسیقایی در جمله وزن و ردیف و قافیه در شعر فارسی لازم است بررسی‌های جامعی صورت گیرد. عملاً آرش و پردازش هرچه بهتر این مبحث می‌تواند باعث کشف قواعد علمی و توصیف‌پذیر حاکم بر بودن موسیقایی واژه‌ها در بافت شعر شده، امکان بیان موثرتر و دلنشین‌تر مفاهیم را فراهم آورد. در سیر دیگر چون پی بردن به هر رابطه علی در جهان علت و معلولی، خود باعث ایجاد هیجان لذت‌بخش و صرف ناپذیر می‌گردد، کشف روابط موسیقایی واژگان و پیوند معنایی آن‌ها با مضامین و مفاهیم در شعر نیز از این امر مستثنا نبوده، لذت حاصل از نظم و تناسب اصوات را برای خواننده شعر مضاعف می‌کند.

یکی از نتایج پدید آمدن سبک‌های جدید شعری در قرن معاصر تغییر اساسی دیدگاه‌های برخی از شعرا و محققان این دوره نسبت به تعریف شعر و سروریات آن از جمله برخی از مؤلفه‌های موسیقی شعر و شکل‌گیری نگاه‌های جدید نسبت به مفهوم بنیادین شعر است. عده‌ای از متجددان ادبی بخش قابل توجهی از آنچه را که قبلاً به عنوان شعر شمرده می‌شده است غیرضروری و بی‌ارزش و باعث انحراف شعر از مسیر ذاتی خود دانسته، در شکلی افراطی بخش اعظمی از سرمایه فرهنگی و ادبی این ملت را مطابق دیدگاه خود فاقد ارزش و دور ریختنی قلمداد کرده‌اند. این نوع نگاه، جز بخش بسیار ناچیزی از مسیر پیموده شده شعر در طول هزار سال گشته را بیراهه دانسته معتقد به ایجاد تغییر اساسی در فرم و ساختار شعر از جمله موسیقی آن است و اساساً هر نوع شعر غیر از آنچه را که دقیقاً با این دیدگاه مطابق باشد فاقد ارزش می‌داند.

غیر از آسیب‌های جدی که این دیدگاه جدید می‌تواند از جنبه‌های مختلف به سرمایه‌های ارزشمند ادبی و فرهنگی هزار ساله ایران وارد کند اگر فقط بررسی جنبه موسیقایی قضیه را در

نظر داشته باشیم، نادیده گرفتن ارزش موسیقایی شعر دوره‌های قبل، تبعات زیر را در پی خواهد داشت:

۱. ناتوانی از کشف بخشی از جنبه‌های هنری و جمال‌شناختی آثار کلاسیک ادبی به عنوان میراث ارزشمند گذشتگان و محرومیت از درک بخشی از زیبایی‌های این آثار.
۲. عدم آگاهی از بخشی از ظرفیت‌های بالای ادبیات سنتی ایران در ارائهٔ رساتر و مؤثرتر مضامین شعری.

۳. ناتوانی از فهم قواعد علمی مرتبط با موسیقی در شعر و محرومیت از کاربرد آن.
۴. عدم اطلاع از ارتباط تنگاتنگ شعر و موسیقی به عنوان دو هنر مستقل و نقش این ارتباط در تالیف هر دو هنر.

۵. بی‌ارزش یا کم‌ارزش انگاشته شدن یکی از هنری‌ترین جنبه‌های شعر که خود چند آفت اساسی را متوجه ادبیات ما [کرده است و] می‌کند:

الف: چشم پوشی از موهبت‌های شعر از سوی بی‌مایگان مدعی شاعری - و نه شعرای پرمایهٔ معاصر - و ارائهٔ انواع نثرهای غلط به نام شعر با ادعای عدم ضرورت وزن و ردیف و قافیه در شعر. (توجه به این نکته که انکار ضرورت وزن و قافیه چقدر در رشد و بالندگی ادبیات ما مؤثر بوده یا برعکس، به روشن شدن موضوع کمک خواهد کرد).

ب: پایین آمدن سطح توقعات خاص در زمینهٔ قابلیت‌های شعر فارسی و در نتیجه حصول رضایت‌مندی عمومی از شعرها و نوشته‌های کم‌ارزش ادبی که مجموعاً موجب تنزل روزافزون کیفیت شعر معاصر می‌شود و خواه و ناخواه عدم ارزش‌گذاری و اقبال ذوق ایرانی به شعر را در پی خواهد داشت.

در دهه‌های اخیر به دلایل متعددی مبحث موسیقی شعر مورد توجه جدی قرار گرفته و کتاب‌ها و مقالات چندی در این موضوع تألیف شده است که بعضی از آن‌ها با نگاهی کلی و به عنوان پیش درآمدی برای طرح موضوع، تألیف شده‌اند، اما اکثریت قریب به اتفاق این تألیفات آن دسته هستند که با نگاهی محدود تنها به بررسی آثار یک شاعر خاص پرداخته‌اند، یا وجود نکات بسیار ارزشمندی که در بعضی از این آثار در خصوص موسیقی شعر طرح شده است چند کاستی عمده در آن‌ها مشاهده می‌شود که موارد زیر از آن جمله است:

۱- مؤلفان این آثار در تعریف و تقسیم‌بندی موسیقی شعر به نکات مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد توجه نکرده‌اند و برعکس، گاه وارد حیطه‌هایی شده‌اند که در حقیقت به موضوع اصلی هیچ ارتباطی ندارد.

۲- در این آثار به تعدادی از مباحث بسیار مهم مربوط به موسیقی شعر از جمله عناصر نوایی و موسیقی واژه یا توجهی نشده و یا به صورت بسیار مختصر تنها به ذکر چند نکتهٔ کلی در مورد

آن‌ها اکتفا شده است که رویهمرفته هیچ آگاهی ارزشمندی را در خصوص این مسائل به مخاطب ارائه نمی‌کند.

۳- نامگذاری تعداد قابل توجهی از کتاب‌های مطرح با تسامح بسیاری همراه بوده است، به گونه ای که در بیشتر موارد نمی‌توان ارتباط کاملی بین عنوان کتاب با محتوای آن مشاهده کرد. این دقیق نبودن نامگذاری‌ها باعث می‌شود که در نگاه اول تصور کنیم تمام مطالب مورد اشاره عنوان کتاب در آن اثر به تفصیل بررسی شده است، در صورتی که در اکثر موارد یک تورق مختصر کافی است تا مطمئن شویم تصورمان از محتوای این کتاب اشتباه بوده است.

در مجموع به توجه به مسائل مذکور و مواردی علاوه بر آن‌ها می‌توان گفت با وجود اهمیت و گستردگی موضوع، تا به حال تحقیق جامع و مفصلی که در برگیرنده تمام مباحث اصلی و فرعی مرتبط با مبحث موسیقی سرانجام صورت نگرفته و جای تحقیقی جامع در این مورد کاملاً خالی است و تعدد و تنوع کتاب‌هایی که عنوان آن‌ها ظاهراً از ارتباط مستقیمشان با موسیقی شعر حکایت دارد نباید این تصور را ایجاد کند که دیگر نیاز چندانی به تألیفات جدیدی با موضوع مبانی موسیقی شعر نیست.

در اثر حاضر تلاش شده است ضمن نقیض تعریف و تقسیم‌بندی موجود از موسیقی شعر، تعریف و تقسیم‌بندی جدیدی ارائه شده، هر یک از ولفه‌های موسیقایی به تفصیل بررسی شوند. در شعر فارسی عوامل مختلفی در ایجاد موسیقی شعر نقش دارند؛ همچون: وزن عروضی، ردیف و قافیه، سجع یا قافیه درونی، همسانی واج‌ها (واج آرایی)، انواع جناس، تکرار، تناسبات لفظی و... که در این تحقیق نیز با دقت مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما مباحث موسیقایی‌ای که اثر حاضر قصد پرداختن به آن‌ها را دارد، منحصر در این موارد نیست و مباحث جدید دیگری نیز که تا به حال یا به آن‌ها اشاره‌ای نشده و یا این اشاره‌ها در حد طرح عنوان بوده، مورد توجه قرار گرفته است که موارد زیر از آن جمله هستند:

- نقش و اهمیت عناصر نوایی اعم از تکیه (آهنگ واژه)، درنگ، آهنگ و لحن در موسیقی شعر
- عوامل مؤثر در کاهش ارزش موسیقایی شعر
- ارزش قابل توجه سکوت بین مصرع‌های بعضی از اوزان عروضی
- ارتباط درونی انواعی از موسیقی شعر با یکدیگر از جمله وزن عروضی با ردیف و قافیه
- جایگاه موسیقی واژه در موسیقی شعر
- روابط آوایی فاقد تشخیص در بافت موسیقایی شعر

نکته مهمی که در این جا باید مورد اشاره قرار گیرد آن است که موضوعات مطرح در مبحث موسیقی شعر به دلیل اشتغال بر حوزه‌های متعدد ادبی دارای تنوع بسیاری است. اهم

این حوزه‌ها عبارتند از: دستور زبان، بدیع لفظی، بیان، زبان شناسی، عروض و قافیه. بنابراین وجود وجه اشتراک در برخی از موضوعات مطرح در این کتاب با سایر حوزه‌های ادبی، امری بدیهی است. از سوی دیگر این وجه اشتراک به معنی تکراری بودن این موضوعات نیست، زیرا نگاه اثر حاضر به این حوزه‌های متنوع صرفاً از دیدگاه موسیقایی است. مثلاً اگر پاره‌ای از آرایه‌های بدیع لفظی در این کتاب مورد اشاره قرار گرفته است این اشاره نه از منظر بدیع لفظی بلکه از دیدگاه موسیقی شعر بوده است و چنانکه تقسیم‌بندی این آرایه‌ها هم نشان می‌دهد اصل در تحقیق حاضر بررسی ارزش موسیقایی آرایه‌های مورد اشاره است و به همین دلیل تقسیم‌بندی ورد نظر بدیع از حیث قرار گرفتن آرایه‌ها در محدودهٔ تکرار، سجع و جناس در این دیدگاه فاتح اعتبار است.

کتاب حاضر در اصل، فصل اول رسالهٔ دکتری مؤلف است که استاد دانشمند سرکار خانم دکتر معصومه معدن کن و جناب آقای دکتر اسداله واحد به‌عنوان اساتید راهنما و جناب آقای دکتر محمد مهدی پور به‌عنوان استاد مشاور در تألیف آن زحمات بسیاری متحمل شده‌اند. ضمن اعلام مراتب سپاس و امتنانی خالصانهٔ خود از اساتید ارجمندم به‌ویژه سرکار خانم دکتر معدن کن که با سعهٔ صدر و صرف رغبت و نثری بسیار بنده را در تألیف این رساله مورد راهنمایی و حمایت قرار دادند از خداوند متعال برای ایشان و دیگر اساتید بزرگوارم سعادت، سلامتی و شادکامی آرزو می‌کنم.